



▲ در بخشنامه بانک مرکزی و رأی دیوان عدالت
اداری دو دیدگاه متفاوت وجود دارد.

صدور گواهی عدم پرداخت مکرر

ژوئیه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اکبر پیروفر

اشخاص دیگر که پس از برگشت از بانک و با استفاده از قابل نقل و انتقال بودن چک از طریق ظهرونیسی، به آنان انتقال یافته است. درحالت اول، با درنظر گرفتن ماده ۱۱ قانون صدور چک که مقرر داشته در صورتی که دارنده چک تا شش ماه از تاریخ صدور چک برای وصول آن به بانک مراجعه نکند، با ظرف شش ماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت شکایت ننماید، دیگر حق شکایت کیفری

معنی که هرگاه در مورد چکی فرضاً به علت نداشتن موجودی، گواهی عدم پرداخت صادر شد، و به اولین ارائه دهنده چک تسلیم گردید، آیا در صورت ارائه مجدد چک، بانک باز هم می تواند گواهی عدم پرداخت مجددی را صادر کند یا خیر؟
ارایه مجدد چک به بانک به دو صورت ممکن است اتفاق بیفتد: اول، توسط همان دارنده اولیه چک؛ دوم، توسط شخص یا

برطبق ماده ۴ قانون صدور چک، هرگاه وجه چک به علتی از علل مندرج در ماده ۱۳ پرداخت نشود، بانک مکلف است در برگ مخصوصی که مشخصات چک و هویت و نشانی کامل صادرکننده در آن ذکر شده باشد، علت یا علل عدم پرداخت را صریحاً قید و آنرا امضا و مهر نموده و به دارنده چک تسلیم نماید.
در این نوشته، مسأله اصدار گواهی عدم پرداخت مکرر مورد بررسی قرار می گیرد، به این

نخواهد داشت، هرگاه دارنده اولیه چک، مجدداً چک را به بانک ارایه نماید و به علت نداشتن موجودی، گواهی عدم پرداخت دیگری بگیرد و این امر تکرار شود، هرگاه مراجعات به بانک ظرف مدت شش ماه از تاریخ صدور چک باشد، مشکلی ندارد و می‌تواند گواهی عدم پرداخت دیگری هم بگیرد، چون از نظر قانون ممنوعیتی پیش‌بینی نشده است، اما نظر به اینکه شروع شش ماهه دوم مذکور در ماده ۱۱ از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت بوده و دارنده ظرف مهلت مزبور می‌تواند شکایت کیفری بنماید و ممکن است گواهی عدم پرداخت متعددی در اختیار اولین ارایه‌دهنده چک به بانک باشد، این مساله پیش می‌آید که مبدأ احتساب شش ماهه دوم از تاریخ صدور کدام یک از گواهی‌های عدم پرداخت خواهد بود؟ در این مورد، نظر مرجع قضایی هم شرط است که کدام یک از گواهی‌ها را برای احتساب مهلت شش ماهه شکایت کیفری بپذیرد.

با استفاده دارنده چک از شش ماهه اول و گرفتن گواهی‌های متعدد، تاریخ انقضای مهلت شش ماهه دوم متفاوت خواهد بود، چون برای احتساب شش ماهه دوم تاریخ‌های متفاوتی وجود خواهد داشت.

یکی از بانک‌ها در تاریخ ۷۴/۱۱/۲۵ پرسشی از اداره حقوقی قوه قضائیه به این شرح نموده است: «ماده ۴ بانک را مکلف کرده که گواهی عدم پرداخت چک را با مشخصات مندرج در ماده مزبور صادر و به دارنده چک تسلیم نماید و به منظور اطلاع صادرکننده، نسخه دوم آنرا فوری به صاحب حساب ارسال نماید. هرگاه یک چک به دفعات به بانک ارایه و به علت نداشتن محل، دارنده چک از بانک بخواهد که برای هر بار ارایه چک به بانک، گواهی عدم پرداخت صادر و تسلیم دارنده چک گردد، آیا درخواست دارنده که بالطبع در مهلت‌های شش ماهه مندرج در ماده ۱۱ اثر خواهد گذاشت، می‌تواند قابل پذیرش از طرف بانک باشد؟»

پاسخ به موجب نامه شماره ۷/۸۲۲۲ مورخ ۷۴/۱۲/۲۳ چنین است: «برابر ماده ۱۰ قانون صدور چک، مصوب سال ۵۵ و اصلاحیه آن، دارنده چک کسی است که برای اولین بار چک را به بانک ارایه می‌نماید و آغاز مدت شش ماه مقرر در این ماده همان تاریخ مراجعه دارنده چک برای اولین بار به بانک است. در هیچ یک از مواد قانون صدور چک، بانک مکلف نشده است برای

مراجعه‌کننده به بانک در هر بار گواهی عدم پرداخت صادر نماید. تکلیف مقرر در مواد ۳ و ۴ آن هم ناظر به اعلام بانک صادرکننده چک برای همان بار اول است.»

به طوری که ملاحظه می‌شود، پرسش و پاسخ در مورد اولین دارنده چک است و مساله قابل نقل و انتقال بودن چک از طریق ظهرونی که شخص دیگری چک را به بانک ارایه نماید، مطرح نشده است. سکوت قانونگذار در این مورد را هم بنظر می‌رسد که نمی‌توان حمل بر ممنوعیت اصدار گواهی عدم پرداخت دیگری نمود.

یکی از بانک‌ها در تاریخ ۷۵/۲/۲۲ موضوع را بدون اشاره به نظریه اداره حقوقی قوه قضائیه، با اداره حقوقی بانک مرکزی مطرح می‌نماید. پاسخ بانک مرکزی طی نامه شماره ۵۰۸۹ مورخ ۷۵/۷/۳۰ چنین است: «...منظور قانونگذار، صدور گواهی عدم پرداخت در یک نوبت می‌باشد. بانک نمی‌تواند برگشت یک فقره چک

○ مطابق نظر اداره نظارت بر امور بانک‌های تجاری، در صورتی که چک‌های برگشتی به شخص ثالث منتقل شوند، شخص ثالث حق شکایت کیفری ندارد، اما می‌تواند از طرق حقوقی اقدام کند.

را طبق ماده ۴ چندین بار به صادرکننده اعلام نماید و ضمناً صدور گواهی نامه‌های متعدد به نام شخص واحد (شخصی که برای اولین بار به بانک مراجعه نموده) احتمال اقامه چندین شکایت کیفری علیه صادرکننده را به دنبال خواهد داشت، لذا بانک محالاً علیه مجاز است طبق ماده ۴ قانون صدور چک فقط یک بار گواهی نامه عدم پرداخت صادر نماید.»

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - اداره نظارت بر امور بانک‌های تجاری به موجب بخشنامه شماره ۹۰۱ مورخ ۷۹/۲/۱۹ مطالبی را به شرح زیر با سیستم بانکی مطرح کرده است:

۱- در صورتی که چک‌های صادره پس از برگشت از بانک به شخص ثالث منتقل شوند، شخص ثالث حق شکایت کیفری ندارد. از طرف دیگر، عدم وجود حق شکایت کیفری برای دارنده چک، حق او را برای مراجعه مجدد به بانک جهت وصول یا هر اقدام حقوقی دیگری

ساقط نمی‌نماید.

۲- چنانچه چک بعد از برگشت به شخص ثالث واگذار شود و بعد از ارایه مجدد به بانک بنابه علل مصرحه در قانون چک (از قبیل فقدان موجودی، کسر موجودی و غیره) مواجهه با برگشت شود، بانک موظف است در صورت درخواست آورنده (شخص ثالث) نسبت به صدور گواهی عدم پرداخت مجدد اقدام و در برگه گواهی جدید با قید شماره و تاریخ به این نکته اشاره نماید که درخصوص چک مذکور قبلاً نیز گواهی عدم پرداخت صادر شده است. به عبارت دیگر، لازم نیست در گواهی جدید قید شود که گواهی قبلی باطل شده است.

۳- در حالت فوق‌الذکر، اگر چه گواهی دوم آثار کیفری گواهی اول را زایل می‌نماید، لکن چنانچه چک مورد نظر به هر نحو به آورنده اولیه چک به بانک اعاده شود، با توجه به اینکه یک مرتبه برای وی گواهی عدم پرداخت صادر شده، صدور گواهی دیگری برای وی لازم نیست. به نظر نویسنده، صدور گواهی یا گواهی‌های عدم پرداخت به نام دارندگان بعدی چک، آثار کیفری گواهی اول را از بین نمی‌برد.

نظر اداره نظارت بر امور بانک‌های تجاری به طور خلاصه اینست که: اولاً، اگر شخص ثالث همان چک را به بانک ارایه نماید (البته به استناد قابل نقل و انتقال بودن چک و با علم دارنده بعدی چک به اینکه حق شکایت کیفری ندارد) صدور گواهی عدم پرداخت به نام ارایه دهنده (شخص ثالث) مانعی ندارد؛ ثانیاً، اگر دارنده اولیه چک، چک را مجدداً به بانک ارایه نماید، صدور گواهی دیگری برای وی لازم نیست.

اینکه اداره نظارت بر امور بانک‌های تجاری اصدار گواهی عدم پرداخت به منتقل‌الیه را مجاز دانسته، موجه می‌باشد، چون با قابل نقل و انتقال بودن چک و تأیید این امر در ماده ۱۱ که گفته است «کسی که چک پس از برگشت از بانک به وی منتقل گردیده، حق شکایت کیفری نخواهد داشت» مفید این معنی است که صرف نظر از اینکه حق شکایت کیفری خاص اولین ارایه‌دهنده چک به بانک است، اصولاً، امکان انتقال چک به ثالث وجود دارد، اما بدون داشتن حق شکایت کیفری. اما اخیراً، بر اثر شکایت مطروحه در دیوان عدالت اداری درباره بخشنامه شماره ۹۰۱ بانک مرکزی که عنوان شده است: چون گواهی عدم پرداخت حسب نظر دیوان عالی کشور به منزله واخواست می‌باشد، فلذا بنا به قانون، قاعداً تنها

یک بار باید صورت بگیرد و صدور مجدد گواهی نامه از نظر حقوقی واجد اثر و اعتبار نیست و به مفاد قانون چک در صدور این بخشنامه توجهی نشده است، درخواست ابطال بخشنامه شماره نب / ۹۰۱ مورخ ۷۹/۲/۱۹ اداره نظارت بر امور بانک‌های تجاری شده است. اداره مذکور ضمن نامه شماره ۴۱۴۶ مورخ ۷۹/۷/۲۶ در مقام دفاع از بخشنامه ۹۰۱، مطالبی را عنوان کرده است که به لحاظ رعایت اختصار، به قسمتی از دفاعیات اداره نظارت بر امور بانک‌های تجاری اشاره می‌نماید: در قسمت اخیر ماده ۱۱ قانون صدور چک مقنن با کاربرد لفظ انحصاری «کیفری» بقای جواز انتقال چک به غیر را تلویحاً مورد تأیید قرار داده، لکن با توجه به طبیعت جرم چک بلا محل و جلوگیری از سوءاستفاده اشخاص فرصت طلب در ایجاد شغل خاص پیگیری این‌گونه دعاوی، حق شکایت کیفری را فقط به کسی واگذار نموده که برای اولین بار به بانک مراجعه کرده است و بر این اساس، حق شکایت کیفری را از کسانی که به نحوی چک به آنها منتقل یا واگذار می‌شود، سلب کرده است. از عبارت «شخصی که برای اولین بار چک را به بانک ارائه داده است» مرقوم در ماده ۱۱ قانون چک، چنین استنباط می‌شود که امکان ارائه چک برای دفعات متوالی به بانک فراهم است و بانکه نیز به پاسخگویی است و پاسخگویی بانک در شکل و ماهیت باید در انطباق با قانون چک صورت پذیرد. با عنایت به مراتب و نظر به این‌که به شرح بخشنامه فوق‌الذکر بانک‌ها موظف شده‌اند که در صدور گواهی نامه عدم پرداخت مجدد به این نکته تصریح نمایند که اولین گواهی نامه عدم پرداخت قبلاً برای اولین آورنده صادر شده است، زوال وجه کیفری چک را در گواهی نامه عدم پرداخت ثانی مشخص و بارز نمایند (یعنی در مورد شخص ثالث).

نکته قابل توجهی که در دفاعیات نظارت بر امور بانک‌های تجاری وجود دارد، این است که به وضوح مشخص کرده که ظهرنویسی و انتقال چک پس از برگشت از بانک امکان دارد و منتقل الیه هم که با ارائه چک به بانک، مواجه با نداشتن محل گردید، حق دارد که برای وصول وجه چک از طریق اجرای ثبت یا طرح دعوی

مدنی، گواهی عدم پرداخت را دریافت کند. الزامی وجود ندارد که وجه فقط از طریق شکایت کیفری وصول شود. این اقدام، خاص اولین کسی است که چک را به بانک ارائه کرده است. این امر مانع آن نیست که اولاً، نتوان چک را پس از برگشت به دیگری ظهرنویسی و منتقل نمود؛ ثانیاً، مانعی هم وجود ندارد که منتقل الیه را از وصول چک از طریق اجرای ثبت یا طرح دعوی مدنی باز دارد.

در رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری^۲ آمده است: طبق ماده ۱۰ قانون صدور چک، مصوب ۱۳۵۵ که براساس قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک، مصوب ۱۳۷۲ شماره آن به ۱۱ تغییر یافته، منظور از دارنده چک در مقام طرح شکایت کیفری، شخصی است که برای اولین بار چک را به بانک ارائه داده است و حکم مقرر در این ماده در الزام بانک محال علیه به قید

○ از مفاد ماده ۱۱ قانون چک چنین استنباط می‌شود که امکان ارائه چک برای دفعات متوالی به بانک فراهم است و بانکه نیز به پاسخگویی است و پاسخگویی بانک در شکل و ماهیت باید منطبق با قانون چک باشد.

هویت کامل و دقیق و تاریخ مراجعه شخص مزبور به بانک و صدور گواهی عدم پرداخت و همچنین، عدم جواز طرح شکایت کیفری از طرف کسی که چک پس از برگشت (جز در موارد قهری) به او منتقل شده، مفید ممنوعیت صدور گواهی عدم پرداخت مجدد و مکرر است. بنابراین، مفاد بخشنامه نب/۹۰۱ مورخ ۷۹/۱۲/۱۹ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر الزام بانک محال علیه به صدور گواهی عدم پرداخت مجدد و زوال آثار کیفری اولین گواهی عدم پرداخت، خلاف قانون تشخیص داده می‌شود و بخشنامه مذکور به استناد قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد (توضیح اینکه تاریخ صحیح بخشنامه ۷۹/۲/۱۹ می‌باشد).

با دقت در بخشنامه ۹۰۱ و دفاعیات بانک مرکزی در دیوان عدالت اداری، به وضوح دیده

می‌شود که نظر بانک مرکزی غیر از آن است که در رأی دیوان آمده است و در واقع، دو دیدگاه متفاوت وجود دارد:

بانک مرکزی معتقد است که اگر چک مورد نظر به هر نحو به آورنده اولیه چک به بانک اعاده شود، با توجه به اینکه یک مرتبه برای وی گواهی عدم پرداخت صادر شده، صدور گواهی دیگری برای وی لازم نیست. بانک مرکزی در تاریخ ۷۵/۷/۳۰ هم که قبلاً اشاره شد، صدور گواهی عدم پرداخت مجدد در مورد اولین ارائه دهنده چک به بانک را تأیید نکرده است. اداره حقوقی قوه قضاییه هم همین نظر را اعلام کرده بود. ضمناً هرگاه چکی پس از برگشت از بانک به ثالث واگذار شود، اگر دارنده چک، با نداشتن محل مواجه شود، صدور گواهی عدم پرداخت به نام او اشکالی ندارد، منتها باید اشاره بشود که در خصوص چک مذکور قبلاً نیز گواهی عدم پرداخت صادر شده است. به عبارت دیگر، لازم نیست در گواهی جدید قید شود که گواهی قبلی باطل شده است. از نظر بانک مرکزی، گواهی اولیه به نام اولین ارائه دهنده چک به بانک صادر شده و فقط او حق شکایت کیفری دارد و بانک نمی‌تواند آثار گواهی اولیه را از بین ببرد، یعنی گواهی اولیه را باطل اعلام کند. پس، از نظر بانک مرکزی، صدور گواهی عدم پرداخت به نام منتقل الیه منعی ندارد و چون چک قابل نقل و انتقال و ظهرنویسی است، به نظریه بانک مرکزی در این مورد ایرادی وارد نیست. اما دیوان عدالت اداری فقط به جنبه شکایت کیفری چک بدون محل توجه داشته و گفته‌اند منظور از دارنده چک در مقام شکایت کیفری، شخصی است که برای اولین بار چک را به بانک ارائه داده است و حکم مقرر در این ماده در باب الزام بانک محال علیه به قید هویت کامل و دقیق و تاریخ مراجعه شخص مزبور به بانک و صدور گواهی عدم پرداخت و همچنین، عدم جواز طرح شکایت کیفری از طرف کسی که چک پس از برگشت به او منتقل شده، مفید ممنوعیت صدور گواهی عدم پرداخت مجدد و مکرر است.

در مسأله کیفری، خود بانک مرکزی، همانطور که اشاره شد، صدور گواهی عدم پرداخت مجدد و مکرر به نام اولین ارائه دهنده چک به بانک را قبول نکرده است. بخشنامه بانک مرکزی در این مورد هم صریح است، اما به علت قابل نقل و انتقال بودن چک، دارنده بعدی چک، یعنی منتقل الیه، با علم به اینکه حق شکایت

کیفری ندارد، چک را پذیرفته است و چون برای وصول وجه چک دو راه دیگر وجود دارد و برای اقدام قانونی می‌بایست گواهی عدم پرداخت به نام منتقل‌الیه در اختیار او باشد که هرگاه از بانک درخواست کرد، بانک به موجب ماده ۴ مکلف به صدور گواهی عدم پرداخت است. در نتیجه، به نظر نویسنده، کل بخشنامه شماره ۹۰۱ بانک مرکزی - اداره نظارت بر امور بانک‌های تجاری قابل ابطال نبوده است. در واقع، موضوعی که در بخشنامه بانک مرکزی مشکل ایجاد کرده، این است که در بند ۲ بخشنامه گفته‌اند: «در حالت فوق، اگر چه گواهی دوم آثار کیفری گواهی اول را زایل می‌نماید» حالت فوق مذکور در بخشنامه، مربوطه به جواز صدور گواهی عدم پرداخت به نام منتقل‌الیه است. گواهی دوم که به نام منتقل‌الیه صادر می‌شود، نمی‌تواند آثار کیفری گواهی اول را که به نام ارایه دهنده چک به بانک است، زایل نماید. دیوان عدالت اداری تکیه بر این قسمت نموده که گفته‌اند: مفاد بخشنامه نب/۹۰۱ مورخ ۷۹/۱۲/۱۹ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر الزام بانک محال‌علیه به صدور گواهی عدم پرداخت مجدد و زوال آثار کیفری اولین گواهی عدم پرداخت، خلاف قانون تشخیص و بخشنامه مذکور به استناد قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد (تاریخ ۷۹/۲/۱۹ صحیح است).

حقی که قانونگذار به اولین ارایه‌دهنده چک به بانک داده است، با نوشتن این مطلب در بخشنامه که گواهی دوم آثار کیفری اول را زایل می‌نماید، از بین نمی‌رود و چون حق شکایت کیفری قانوناً به اولین ارایه دهنده چک اختصاص دارد، لذا بانک مرکزی در دفاعیات خود تصریح نموده است: نظر به اینکه به شرح بخشنامه فوق‌الذکر بانک‌ها مکلف شده‌اند در صدور گواهی نامه عدم پرداخت مجدد به این نکته تصریح نمایند که اولین گواهی نامه عدم پرداخت قبلاً برای اولین آورنده صادر شده است، زوال وجه کیفری چک را در گواهی نامه عدم پرداخت ثانی مشخص و بارز نمایند، یعنی حق شکایت کیفری اختصاص به اولین آورنده چک دارد و لاغیر و مراتب مورد تایید بانک مرکزی است و بانک مرکزی در مقام سلب حق شکایت اولین آورنده چک به بانک نبوده است.

جمع‌بندی و نتیجه

بخشنامه بانک مرکزی شامل سه موضوع

می‌باشد:

۱- در مقدمه بخشنامه گفته‌اند در صورتی که چک‌های صادره پس از برگشت از بانک به شخص ثالث منتقل شوند، شخص ثالث حق شکایت کیفری ندارد. از طرف دیگر، عدم وجود حق شکایت کیفری برای دارنده چک (منظور شخص ثالث است) حق او را برای مراجعه مجدد به بانک جهت وصول یا هر اقدام حقوقی دیگری ساقط نمی‌نماید.

مطلب فوق با توجه به قابل نقل و انتقال بودن چک از طریق ظهرنویسی، بدون ایراد حقوقی است. عبارت «کسی که چک پس از برگشت از بانک به وی منتقل گردیده، حق شکایت کیفری نخواهد داشت، مگر آن که انتقال قهری باشد» در ماده ۱۱ نقل و انتقال چک را پس از برگشت از بانک به وضوح بیان کرده است.

۲- در بند ۱ بخشنامه صدور گواهی عدم پرداخت مجدد به نام شخص ثالث تجویز شده و

○ صدور گواهی یا گواهی‌های عدم پرداخت به نام دارندگان بعدی چک، آثار کیفری گواهی اول را از بین نمی‌برد.

نیز تذکر داده‌اند که در برگه جدید با قید شماره و تاریخ، به این نکته اشاره شود که در خصوص چک مذکور قبلاً نیز گواهی عدم پرداخت صادر شده است. به عبارت دیگر، لازم نیست در گواهی جدید قید شود که گواهی قبلی باطل شده است (قابل ابطال هم نبوده است).

مطلب فوق نیز ایرادی ندارد. اصولاً صدور گواهی به نام دارنده بعدی چک (که حق شکایت کیفری هم ندارد) گواهی اولیه را باطل نمی‌نماید و دلیلی هم برای ابطال وجود ندارد. انتقال‌گیرنده با علم به اینکه حق شکایت کیفری ندارد، چک را قبول کرده است.

۳- در بند ۲ بخشنامه آمده است که: در حالت فوق (یعنی بند ۱ بخشنامه) گواهی دوم آثار کیفری گواهی اول را زایل می‌نماید. به نظر نویسنده گواهی دوم آثار کیفری گواهی اول را از بین نمی‌برد، زیرا اولاً، دلیلی برای این امر وجود ندارد و در حد یک اظهار نظر است؛ ثانیاً منظور از عبارت «در حالت فوق» بند ۱ بخشنامه می‌باشد که ضمن آن صدور گواهی مجدد برای شخص ثالث تجویز شده است. در نتیجه، گواهی دوم

به نام شخص ثالث، نه گواهی اول را باطل می‌کند و نه آثار کیفری گواهی اول را که فقط اولین ارایه کننده چک به بانک می‌تواند از آن استفاده کند، از بین می‌برد.

در بند ۲ متذکر شده‌اند که چنانچه چک مورد نظر به هر نحو به آورنده اولیه چک به بانک اعاده شود، با توجه به اینکه یک مرتبه برای وی گواهی عدم پرداخت صادر شده، صدور گواهی دیگری برای وی لازم نیست. این موضوع منطبق است با نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه و نظر قبلی اداره نظارت بر امور بانک‌های تجاری که قبلاً به هر دوی آنها اشاره شده است. البته هر دو در حد یک نظریه است و امکان وجود نظر مغایر هم قابل پیش‌بینی است.

۴- برداشت دیوان عدالت اداری از بخشنامه بانک مرکزی، یکی، تجویز صدور گواهی مجدد مکرر به نام شخصی است که برای اولین بار چک را به بانک ارایه داده است، و دیگری، زوال آثار کیفری اولین گواهی عدم پرداخت، در صورتی که بخشنامه صراحت به این دارد که اولاً، برای ارایه‌دهنده چک به بانک گواهی مجدد صادر نشود؛ ثانیاً، صدور گواهی مجدد فقط به نام انتقال‌گیرنده چک مجاز دانسته شده است (بدون داشتن حق کیفری). در نتیجه، آن قسمت از بخشنامه می‌توانست قابل ایراد باشد که گفته‌اند «اگر چه گواهی دوم آثار کیفری گواهی اول را زایل می‌نماید».

پس ابطال کل بخشنامه ۹۰۱ ضرورتی نداشته است. به نظر نویسنده، اظهار نظر مذکور و مندرج در بخشنامه دلیل حقوقی و قانونی نداشته و می‌شد فقط این قسمت از بخشنامه را باطل اعلام کرد.

زیرنویس‌ها

۱) صادرکننده چک باید در تاریخ صدور، معادل مبلغ چک در بانک محال‌علیه (تقدی یا اعتبار قابل استفاده) داشته باشد و نباید تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده، به صورتی از بانک خارج نماید یا دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد و نیز نباید چک را به صورتی تنظیم نماید که بانک به عللی از قبیل عدم مطابقت امضا یا قلم‌خوردگی در متن چک یا اختلاف در مندرجات چک و امثال آن، از پرداخت وجه چک خودداری نماید.

۲) روزنامه رسمی شماره ۱۶۴۲۶ مورخ ۸۰/۵/۲